

# نقش بیمه محصولات کشاورزی در تضمین

## سرمايه‌های بخش کشاورزی

سیدعلی میلانی مدیر عامل بانک کشاورزی

ایرج جابری کارشناس صندوق بیمه محصولات کشاورزی

### مقدمه

گفته شده است: "رشد صنعتی بدون توسعه کشاورزی و روستایی میسر نبوده یا چنانچه تحقق یابد، موجب آنچنان عدم تعادل شدیدی در اقتصاد خواهد شد که به افزایش مشکلات فقر گسترده و نابرابری و بیکاری خواهد انجامید."

متفکران علوم اقتصادی با تأکید بر نقش حیاتی و ظرفیت بخش کشاورزی در فراگرد توسعه، از مفاهیم تازه‌ای چون توسعه پایدار کشاورزی سخن به میان آورده و ابعاد فراملی آن و جایگاه ویژه‌اش را نیز، کلید توسعه اقتصادی و پیشفرض توسعه بخشهای دیگر اقتصاد برشمرده‌اند.

در تبیین هدفهای کیفی بخش کشاورزی در برنامه پنجساله دوم آمده است:

افزایش تولیدات کشاورزی به منظور تأمین نیازهای غذایی جامعه، مواد خام مورد نیاز صنایع، توسعه صادرات و کاهش واردات محصولات کشاورزی.

به کمک ارقام، واقعیتها را بهتر می‌توان بررسی کرد. سرمایه‌گذاری ثابت پیش‌بینی شده در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برای امور کشاورزی و منابع طبیعی بالغ بر ۲۸۶۸ میلیارد ریال بوده است، که نرخ رشد بالای ۶/۱ درصد سالانه پیش‌بینی شده حاکی از جذب این حجم عظیم سرمایه‌گذاری است.

بیمه محصولات کشاورزی با هدف تضمین روند تولید محصولات کشاورزی و دامی از سال ۱۳۶۳ وارد عرصه فعالیت شد.

در سال زراعی ۷۱-۷۲ ارزش بیمه شده (T S I) پنج محصول زیر پوشش بالغ بر ۶۳۱/۵ میلیارد ریال شد و این در حالی بود که فقط ۶ درصد اراضی برنجکاری و ۴۳ درصد گندمزارها بیمه شده است.

چنانچه به این ارقام، ارزش مجموعه زراعتها و انواع دام، طیور، آبزیان،... را که براساس قانون باید به تدریج زیر پوشش بیمه قرار گیرند، اضافه کنیم ابعاد شگفت‌آور این سرمایه‌های عظیم ملی آشکار می‌شود.

حفظ و حراست از این سرمایه‌های ملی وظیفه دشواری است که بر دوش «بیمه» گذارده شده و صندوق بیمه محصولات کشاورزی و کل صنعت بیمه کشور در این مسئولیت سهیم‌اند.

## تأثیر بیمه محصولات کشاورزی در تضمین سرمایه‌های بخش کشاورزی چکیده

ذخایر مواد اولیه و خام با شتاب در حال مصرف و نابودی است و کشاورزی که تنها منبع تأمین مجدد این ذخایر است اهمیت ویژه یافته. تولید بیشتر از طریق افزایش سطح کشت حتی در حال حاضر هم با مشکلات فراوان روبه‌روست و فقط با بهبود شیوه‌های تولید و از طریق افزایش بهره‌برداری بیشتر از واحد سطح می‌توان تولیدات کشاورزی را زیاد کرد.

راه رسیدن به این هدف کشت محصولاتی است با بازده بیشتر در اراضی که تحت مراقبت قرار گیرند و مستمراً غنی شوند و کلیه مراقبت‌های به‌زراعی و به‌نژادی در آنها به‌عمل می‌آید. چنین کشاورزی سازمان یافته نیازمند سرمایه‌گذاری در ابعاد وسیع است. با توجه به این واقعیت که سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ضروری است لذا باید در جو بی‌ثباتی ناشی از احتمال وقوع حوادث غیرقابل پیش‌بینی قهری و طبیعی که سرمایه و محصول هر دو را در تهدید داریم قرار می‌دهد، سپر امنیتی ایجاد کنیم تا در پناه آن فعالیت تولیدی امکان‌پذیر شود.

اما در روند تولید و برای رسیدن به «خودکفایی» در تولیدات کشاورزی و کاستن از واردات که تأمین‌کننده استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهاست چگونه می‌توان عمل کرد؟ کاهش واردات به معنای عدم وابستگی است به بازارهای جهانی.

در اینجا پرسش‌های دیگری هم مطرح است. تکلیف کشورهای کوچک با بازپرداخت وام‌ها چه می‌شود؟ آیا محکوم به خروج از بازارهای تجارت جهانی هستند؟ وضع سازمان‌های اعتباری این کشورها چه می‌شود؟

در نهایت، پاسخ و راه حل این مسائل، باز هم روی آوردن به کشاورزی است. از این رو داشتن یک چارچوب محکم مالی و مدیریت پیشرفته در کشاورزی از لوازم کار است.

اعتبارات کشاورزی، ابزاری است در جهت بهبود و افزایش بازده محصولات کشاورزی در نظام‌های مختلف. کشاورزان، تعاونی‌های کشاورزی، و بانک‌های اعتباری در این بخش همواره در

معرض تهدید طبیعت قرار دارند. این تهدید برای بانکها با پیامدهای منفی تری همراه است که همانا پیدایش مشکلات در باز پرداختها به هنگام وقوع حوادث طبیعی است.

بیمه محصولات کشاورزی ابزاری است در اختیار مدیران باتجربه تا به کمک آن سرمایه گذاری خود را ایمن سازند.

در واقع بیمه محصول :

الف) به کشاورزان اجازه می دهد تا سرمایه خود را متعادل سازند. آنها با داشتن بیمه می توانند بیشتر وام بگیرند و در سالهای خسارت زا توان بازپرداخت بدهی شان محفوظ می ماند.

ب) بانکها هم با بودن بیمه محصول می توانند حجم بیشتری وام و اعتبار توزیع کنند.

ج) بانکها با بیمه محصول به ایجاد سرمایه برای اقشار ضعیف کشاورز کمک می کنند.

د) نرخ بازپرداختهای بانکها نیز با بیمه محصول افزایش می یابد.

در یک جمع بندی، بانکها و شرکتهای بیمه محصول دارای منافع مشترک در اتحاد و همکاری با یکدیگر هستند. هر دو سازمان باید شناخت واقعی از مشتریان خود داشته باشند. این آگاهی بر سوابق مشتری کمک می کند تا بانک در دادن اعتبار جدید و شرکت بیمه در صدور بیمه نامه قضاوت صحیح داشته باشند. از سوی دیگر از آنجا که هزینه رکن اساسی در عملیات اعتباری است لذا تبادل اطلاعات و همکاری بین بانک و شرکت بیمه هزینه های اجرایی را کاهش می دهد.

## نقش اعتبار

به طور خلاصه اعتبار در بخش کشاورزی با تأمین سرمایه یکی از نیازهای اساسی کشاورز را برآورده می سازد. زمینه اکثر سرمایه گذارها تأمین نهاده ها و ادوات و تجهیزات تولید محصولات کشاورزی است. علاوه بر آن برای ایجاد تأسیسات روستایی و توسعه اراضی هم به کار می روند. اکثر سرمایه گذارها با هدف بهبود شرایط تولید صورت می گیرد.

## وثیقه ها و تضمینهای اعتبار

استفاده از اشکال مختلف وثیقه به طور عمده بستگی به نظام مالکیت اراضی دارد. اغلب بانکها زمین را بهترین نوع وثیقه می دانند. کشاورزان کوچک معمولاً با استفاده از ضمانت اشخاص یا تعاونیهای کشاورزی از وام و اعتبار استفاده می کنند.

شکلهای مختلف بیمه در نظامهای اقتصادی وثیقه قابل اطمینان برای اعتبارات به شمار

می‌روند. در بخش کشاورزی وثیقه‌های وامها را می‌توان به ترتیب در چند گروه برحسب تقدینگی آنها قرار داد:

داراییها<sup>۱</sup>

۱. سرمایه در گردش

۲. دام

۳. داراییهای مالی

۴. داراییهای ثابت

۵. زمین

سایر وثیقه‌ها:

۶. اعتبار افراد یا اجتماعات

۷. انواع بیمه

به‌رغم تمام این وثیقه‌ها، آنچه اهمیت دارد اقتصادی بودن طرح متقاضی وام است. از دیدگاه بانکها این مهم‌ترین عامل در تصمیم‌گیریهاست. اصولاً وثیقه برای مواقع اضطراری و عامل فشار برای بازپرداختهاست. بانکها در بدو امر در پی کسب بهترین وثیقه‌ها، زمین و املاک هستند. لکن قابلیت حصول بیمه از کلیه این وثیقه‌ها سهل‌تر و سریع‌تر است.

### دلایل وجود مشکل در بازپرداختها

علل و عوامل متعدد بر روند بازپرداختهای وامها تأثیر گذارند که برخی از کنترل و حیطه تصمیمات فردی خارج و گروهی به علت اعمال سیاستهای ناصواب اعتباری یا عوامل سیاسی، اجتماعی ناهنجار پدید می‌آیند. منشاء آن هرچه باشد نتیجه کار ناتوانی کشاورزان در پرداخت به موقع دیون و تعهداتشان در قبال بانک یا هر مؤسسه اعتباری است. شاید بتوان مهم‌ترین عوامل را به قرار زیر طبقه‌بندی کرد:

- شرایط جوی، آفات و امراض

- مشکلات ناشی از بازار

- دخالتهای دولت

- ضعف فرهنگی علمی، فقدان ترویج

- دریافت وام از منابع متعدد

- غیراصولی بودن جدول بازپرداخت وامها

عوامل قهری طبیعی در زمره مهم‌ترین مشکلات در جریان بازپرداخت وامها به حساب می‌آیند.

وابستگی تام کار کشاورزی به طبیعت، فعالیت در بخش را در معرض تهدید دائم قرار داده است. یک تگرگ نابهنگام قبل از برداشت محصول، زحمات یکساله کشاورز را بر باد می‌دهد. گاهی آثار خسارت از محدوده یک دوره زراعی نیز فراتر می‌رود، مثل خسارت ناشی از سرمازدگی درختان میوه.

در نتیجه درآمد نیز در این بخش دارای ثبات و تعادل نیست و تابع شرایط طبیعی است. وجه دیگر قضیه نیز اتکای انحصاری درآمد آنها بر محصول و تولیدات کشاورزی است که آن هم دستخوش قهر طبیعت است. کشاورز نیز منبع درآمد دیگری در اختیار ندارد تا به هنگام از دست دادن محصول جایگزین سازد. از این رو تأخیر در بازپرداخت وام اولین واکنش طبیعی و برابند منطقی خسارتهای مالی ناشی از قهر طبیعت است که شاهد آن خواهیم بود.

در برخی کشورها کشاورزان کوچک تعهد بیشتری در بازپرداخت به موقع وام احساس می‌کنند و نرخ بازپرداختهای این گروه در سطح بالایی قرار دارد. شاید یکی از دلایل آن استفاده بیشتر آنها از اعتبارات کوتاه مدت باشد که عملاً به علت کوتاهی زمان مواجه با دگرگونیهای شدید جوی نمی‌شوند. تنوع کشت در قطعات کوچک هم عاملی است که یکباره همه محصول را با خطر مواجه نمی‌سازد.

یک عامل مؤثر در کارکرد بازپرداختها در اکثر کشورها دخالت دولتهاست. کشاورزان تازمانی که از عدم وجود کمکهای دولت به شکلهای مختلف اطمینان حاصل نکنند، به فکر بازپرداخت وامها نمی‌افتند. بسیاری از کشاورزان وام بانکهای کشاورزی دولتی را نوعی سوسپید تلقی می‌کنند، که نیازی به بازپرداخت ندارد.

در بسیاری از نظامها مجازات جدی برای عدم بازپرداخت در نظر گرفته نشده است. در مجموعه فعالیتهای بانکهای کشاورزی عملیات اعتباری در مناطق روستایی، از جمله افتتاح نگاهداری حساب برای کشاورزان از ارزش والاتری برخوردار است.

دریک بررسی بالغ بر ۵۰ تا ۷۰ درصد مشکلات بازپرداختها ناشی از بروز عوامل طبیعی نامساعد عنوان شده است. اینجاییکه محصولات می‌تواند نقش مهم خود را ایفا کند.

### بیمه محصولات کشاورزی و اعتبار

بیمه کشاورزی دارای تواناییهای بالقوه‌ای برای حمایت از بانکهای اعتباردهنده در بخش و

نواحی روستایی است که با به‌کارگیری اصول مدیریت ریسک عملی می‌شود. این اصول از اهرمهایی است که در حفظ موجودیت کشاورزان کوچک و همچنین کشاورزان تجاری دارای توانایی بسیار است. بانکها با شرکتهای بیمه دارای منافع مشترک در فعالیتهای مناطق روستایی هستند و باید این تلاشها را با یکدیگر هماهنگ سازند.

پیش از ورود در بحث بیمه و اعتبار در اجرا بد نیست نگاه کوتاهی به مفهوم مدیریت ریسک بیندازیم.

### مدیریت ریسک در نظام اعتبارات کشاورزی

مشکلات بسیاری که در جریان اعطای وام و اعتبارات کشاورزی برای بانکها پیش آمده آنها را در به‌کارگیری اصول مدیریت ریسک<sup>۲</sup> ترغیب کرده است.

در اعطای اعتبارات بخش کشاورزی می‌توان یک تقسیم‌بندی کلی قایل شد.<sup>۳</sup>

الف) خطرهایی که مستقیماً متوجه بانک یا مؤسسه اعتباردهنده می‌شود.

ب) خطرهایی که از کنترل مستقیم بانک وام‌دهنده خارج است.

در نظام بانکی خطرهای متعددی هستند که در رابطه با تصمیمات حوزه مدیریت مالی قرار دارند. جلوگیری از ایجاد بی‌تعادلی در کسب منابع اعتباری و نحوه توزیع این اعتبار، از جمله گرفتن اعتبار کوتاه مدت و دادن آن برای وامهای بلند مدت یکی از این موارد است. مورد دیگر تمرکز وامها در یک زمینه خاص سرمایه‌گذاری است.

در مواردی رعایت این اصول برای مدیران کار ساده‌ای نیست.

در این طبقه‌بندی می‌توان همچنین به خطر اعطای وام نامناسب ناشی از تصمیم‌گیری اشتباه بانک اشاره کرد. تصمیمات نادرست در اعطای وام و اعتبار به عوامل زیربستگی دارد:

۱. نبود شناخت کافی از متقاضی وام.

۲. نبود شناخت کافی از شغل و کار متقاضی وام.

۳. نبود شناخت کافی از توانایی متقاضی در مصرف بهینه اعتبار.

۴. توانایی بانک وام‌دهنده در استفاده صحیح از اطلاعات موجود.

این عوامل کلاً ناشی از تصمیم‌گیریهای بانک اعتبار‌دهنده و در حوزه مسئولیت مدیریت آن است. در این زمینه به ناتوانی متقاضی در مصرف بهینه اعتبار اشاره شد. مدیریت مزرعه نکته بسیار حساسی است. کنترلها و مراقبتهای زراعی از جمله مبارزه با آفات و امراض، کوددهی مناسب در زمان مناسب، و... و غیره.

نبود شناخت کافی در افزایش هزینه‌های اداری و اجرایی هم به شدت تأثیرگذار است. این امر به خصوص در هنگام اعطای وام به کشاورزان کوچک که تعدادشان بسیار است، بروز می‌کند و با هزینه زیاد همراه است. امکانات کسب اطلاع از چنین تعداد زیاد نیز محدود است. بدین روی، تمایل برای یافتن شیوه مناسب مدیریت ریسک به ترتیبی که پاسخگوی تصمیم‌گیریهایی اشتباه باشد متوجه وجود منابع تضمین‌کننده مثل صندوقهای ضمانت و کمک شده است.

صندوقهای ضمانت معمولاً برای مجموعه وسیعی از خطرهای پیش‌بینی می‌شود و اطمینان کافی برای وام‌دهنده ایجاد می‌کند که اعتبار داده شده حداقل تا درصد معینی برگشت خواهد شد. بی‌ثباتی در بازارها می‌تواند به طور جدی سودآوری اعتبارات سرمایه‌گذاری را زیر سؤال ببرد. این امر به خصوص در مواردی که بازار داخلی در ارتباط با بازارهای جهانی است تشدید می‌شود زیرا نه تنها از کنترل مدیریت بانکها خارج است بلکه در مواردی حتی از توان دولتها نیز فراتر می‌رود. نوسان قیمت بیشتر در مورد محصولاتی پیش می‌آید که فزونی عرضه بر تقاضای آنها سریع اتفاق افتد و در نتیجه کاهش قیمتها به سرعت حاصل می‌شود. بنابراین در این زمینه‌های فعالیت بانک باید به طور غیرمستقیم عمل کنند. تنوع در محصولات، قراردادهای سلف خری و سایر ترتیبات مشابه که کشاورز متقاضی وام یا اتحادیه تعاونی کشاورزان برای حفظ قیمت محصول از آنها استفاده می‌کنند مورد توجه بانک است و در بررسی و برآورد ظرفیت اعتباری مدیران آن را مدنظر قرار می‌دهند. سایر موارد خطری که از کنترل بانک خارج است خطرهای طبیعی است. این خطرها از تأثیرگذاری مستقیم مدیریت خارج است و در حوزه کنترل کشاورز قرار می‌گیرد. این امر بدین معناست که مدیریت شایسته مزرعه برای مقابله با این خطرها از مکانیزم بیمه محصول استفاده می‌کند.

در واقع بیمه محصول چنانچه به‌خوبی درک و برنامه‌ریزی شود ابزاری مؤثر در مدیریت ریسک، هم برای بانک اعتباردهنده و هم برای کشاورز، به‌شمار می‌رود.

### تعریف و وظایف بیمه

همان‌طور که اشاره شد بیمه محصولات کشاورزی مکانیزم مهمی در ایجاد محیط امن برای درآمد حاصل از تولید محصولات کشاورزی است. در واقع بیمه ابزار مدیریت ریسک برای تحقق هدفهای تولیدی است.

وظیفه بیمه محصول حمایت از کشاورز در برابر حوادث خسارت‌زای طبیعی است که متحمل می‌شود و در نهایت تضمین‌کننده ادامه روند تولید و حفظ سلامت مکانیزم اعتبار در

بخش است.

واحدهای تولیدی با مدیریت ضعیف یا فعال در شرایط محیطی نامناسب نمی‌توانند در پوشش بیمه‌ای قرار گیرند. بیمه محصول نمی‌تواند تنها ابزار توسعه بخش کشاورزی تلقی شود. بیمه زمانی در رسیدن به هدفها و سیاستهای بخش موفق خواهد بود که سایر شرایط و زمینه‌های لازم برای توسعه بخش فراهم شده باشد.

### شرایط لازم

برای آنکه نظام بیمه محصول ارزش و اعتبار خود را به‌عنوان اهرم حمایت از بخش به ظهور برساند پیش‌زمینه‌هایی نیاز دارد. اگر شماری از آنها، از جمله شرایط سیاسی، فراهم نباشند شکست برنامه قابل پیش‌بینی خواهد بود.

(الف) مهم‌ترین پیش‌زمینه لازم در کلیه شکل‌های بیمه محصولات، ارزشمند بودن فعالیت مورد نظر کشاورزی از دیدگاه اقتصادی است و نیز باید از نظر زیست محیطی پذیرفتنی باشد.

(ب) برای شرکت بیمه وجود یک مجموعه همگن در حجم و ابعاد گسترده ضروری است تا تعادل مالی شرکت را به هنگام بروز خسارتها حفظ کند.

(ج) خطرهای زیر پوشش باید قابل تعریف و تمیز بوده و حادث شدن آنها کاملاً غیرارادی و پیش‌بینی شدنی.

(د) وجود خطر باید لمس شدنی بوده و درصد احتمال وقوع آن محاسبه پذیر باشد.

(ه) حق بیمه باید برای کشاورزان قابل تحمل باشد. این امر در عمل وابسته به ماهیت فعالیت تولیدی کشاورزان است.

(و) سرانجام، در پوشش یک خطر آنچه بسیار مهم است اینکه وقوع آن در ابعاد گسترده و به طور همزمان در چند منطقه نباشد.

### تأثیر اوضاع سیاسی

یکی از شرایط اساسی برای ثبات و دوام سازمان بیمه محصول استقلال سیاسی و تشکیلاتی آن است. تصمیمات سیاسی در سطح ملی می‌تواند آثار مخرب بر اصول فنی بیمه به‌جا گذارد. البته این امر مغایرتی با وجود نظام بیمه محصولات دولتی ندارد. برخلاف، مشارکت حمایتی دولت در طرح می‌تواند کمک مؤثر در بقای بیمه محصول باشد، و فضای مناسب برای فعالیت بیمه را ایجاد می‌کند. دادن سوبسید به حق بیمه‌ها، بیمه اتکایی دولتی طرح، و حمایت از عملیات

اجرای بیمه از سوی دولت بسیار کارساز است.

ذکر این نکته ضروری است که ارائه طرح بیمه محصولات نمی‌تواند جایگزین سایر مسؤلیتهای اجتماعی، سیاسی دولت در بخش کشاورزی باشد.

یکی از موارد مهم در شرایط سیاسی آن است که خطرهای زیر پوشش بیمه از سایر طرحهای حمایتی دولت غرامت دریافت نکنند، زیرا کشاورز به دلیل اطمینان از حمایت دولت به سوی بیمه محصول گرایش نشان نخواهد داد.

لذا دولت باید رسماً اعلام کند که در مورد خطرهای مورد بیمه هیچ‌گونه مسؤلیتی را به‌عهده نخواهد گرفت. هرگونه پرداخت کمکی دولت از طرق مختلف از جمله صندوقهای کمک ثبات و موجودیت بیمه محصول را زیر سؤال می‌برد.

### وجوه مشترک اعتبار و بیمه

برنامه‌های اعتباری قابل اطمینان و بیمه محصول دارای وجوه مشترک و اساسی برای ادامه حیات‌اند. مهم‌ترین نکته تصمیماتی است که در مورد ارزیابی سرمایه‌گذارها اتخاذ می‌شود. در بیمه قبولی ریسک واجد چنین اهمیتی است. پذیرش ریسکهای مناسب احتمال زیان را کاهش می‌دهد و از سوء استفاده پیشگیری می‌کند.

در تصمیم‌گیری برای اعطای وام گزارش توجیهی اصولی و صحیح بازپرداخت اعتبار را در آینده تضمین می‌کند. بانک و بیمه و نیز مشتریان آنها باید خطرها را به‌خوبی شناسایی کنند. بانکها و شرکتهای بیمه باید سوابق اعتباری مشتریان خود را به‌خوبی ارزیابی و نگهداری کنند. این سوابق، زیربنای تصمیم‌گیریها در زمینه اعطای اعتبار جدید از سوی بانک یا تجدید قراردادهای بیمه می‌شود.

باتوجه به بالا بودن هزینه‌های عملیات اجرایی و اداری، به خصوص در رابطه با کشاورزان کوچک که معمولاً با تعداد زیاد مواجه است، همکاری بانک و شرکت بیمه می‌تواند به کاهش هزینه‌ها کمک کند، که در نهایت موجب کاهش هزینه‌های وام و نرخهای بیمه خواهد شد.

وجود بیمه محصول می‌تواند نرخ بازپرداختها را بهبود بخشد. برای تشویق کشاورزان لازم است تخفیفهایی در نرخ بهره پس از ارائه بیمه‌نامه قابل شد. این امر به خصوص در مناطقی که بازپرداخت دیون بامشکل مواجه است راه‌حل مناسبی خواهد بود.

## استفاده از بیمه در اجرا

بسیاری از کشورها برای تضمین اعتبارات اعطایی ارائه بیمه‌نامه محصول را، جدای از تجهیزات و ادوات، برای تولید کشاورزی طلب می‌کنند. البته در مواردی که کشاورزان زمین و محل را برای وثیقه معرفی می‌کنند نیاز کمتری به بیمه محصول احساس می‌شود، یکی از موارد مهم در هنگام اعطای اعتبار که باید مورد توجه بانک قرار گیرد وضع نقدینگی متقاضی است. هنگامی که ذخایر نقد مشتری ناچیز است بیمه محصول اهمیت بسیار می‌یابد. این امر به خصوص دولت‌ها را در زمان وقوع حوادث گسترده در فشار آوردن کردن به بانکها برای کمک بیشتر وادار می‌سازد. همچنین کشاورزی که برای بازپرداخت دیون خود به بانکها مجبور به فروش زمین می‌شود در واقع بخشی از قابلیت و توان زیست خود را از دست می‌دهد. از این رو داشتن بیمه محصول نوعی چتر ایمنی برای کشاورز به‌شمار می‌رود.

در نظامهای بانکی با درک نقش و اهمیت بیمه محصول، تمایل به داشتن چنین وثیقه‌ای در کنار اعتبارات اعطایی به‌طور روزافزون در حال رشد است. مشکل در نبود تفاهم کامل و درک از ماهیت طرف مقابل، بانک و بیمه، هنوز وجود دارد که باید در رفع این ابهام اقدام کرد. هر دو طرف باید شناخت واقعی از وظایف و مسؤولیتهای یکدیگر داشته باشند. ارتباط و تماس نزدیک می‌تواند در رفع این مشکلات مؤثر واقع شود.

ایجاد یک سیستم اطلاعاتی مشترک بین مؤسسه‌های بیمه و بانک، می‌تواند دستیابی به اطلاعات و سوابق مشتریان را ساده‌تر سازد. وجود شبکه گسترده بانک عامل مهمی در این زمینه است.

## زمینه اجرایی بیمه

در اغلب موارد مشاهده می‌شود که عوامل اجرایی بیمه محصول شناخت واقعی از مناطق روستایی و فرهنگ کشاورزان ندارند. در بیمه‌های تجاری این مشکل به دلیل فعالیت آنها در شهرها کمتر به چشم می‌خورد. وجود سایر اشکال بیمه در سطح روستاها کمک مؤثری در ترویج بیمه محصول به حساب می‌آید. هرچه پوشش بیمه‌ای برای کشاورز جامع‌تر باشد و بخش بیشتری از داراییهای او را پوشش دهد امکان فعالیت بیمه محصول بیشتر می‌شود و پذیرش کشاورز آسانتر خواهد بود.

در نهایت پوشش بیشتر به معنای اطمینان بیشتر بانک از داشتن نرخ مطلوب‌تر بازپرداختهاست.

## جمع‌بندی

کشاورزان همواره در معرض خطر از دست دادن محصول قرار دارند. یک سیل می‌تواند همه تلاش کشاورز را با خود ببرد و نابود سازد. یک طوفان همراه با تگرگ در یک لحظه، نتیجه ماهها تلاش را ضایع می‌کند.

نوسانهای قیمت در بازار هم، نتیجه‌اش زیان مالی برای کشاورزان است.

کشاورزان سعی می‌کنند از راههای مختلف در تخفیف حجم خسارتها اقدام و با به‌کارگیری اصول مدیریت ریسک تضمین کافی کسب کنند.

فروش دارایی، شیوه‌های سنتی وام، و کار در سایر بخشهای اقتصاد راههای مقابله با آثار خسارت وارده به کشاورز هستند. هرچند که این روشها خسارت آنها را کاهش می‌دهد لکن در برابر نامعلومی طبیعت امنیتی ایجاد نمی‌کند.

در بهترین شرایط وقوع حادثه درآمد کشاورز را دچار نوسان می‌سازد و در بدترین شکل آن با رویدادن حوادث فاجعه بار در سطح ملی زندگی انسانها به نابودی کشیده می‌شود.

در مقابله با خطر، کشاورزان تلاش می‌کنند با فنون بهتر و روشهای اصولی کشت و زرع عمل کنند. این شیوه برای یک فرد می‌تواند آثار مثبت داشته باشد اما نمی‌تواند زیان کلی جامعه را جبران کند. در نتیجه هر خسارت در بخش کشاورزی آثار خود را به کل اقتصاد کشور منتقل می‌سازد. بانکها از نخستین سازمانهایی هستند که در معرض آسیب ناشی از کاهش درآمد کشاورزان قرار دارند. اعتبارات بانک به بخش کشاورزی به خصوص کشاورزان کوچک همیشه سنگ بنای سیاستهای توسعه در بخش است.

خطر همیشه می‌تواند به سایر سازمانها، دولت و حتی اشخاصی که دارای تواناییهای بیشتر هستند منتقل شود.

در کشورهای توسعه یافته اکثراً برنامه‌های اعتباری بخش خصوصی کمک می‌کند تا همه از جمله کشاورزان خطرهای تهدید کننده و آثار آن را با سایر بخشهای اقتصاد تقسیم کنند. دولت‌ها و بخش عمومی نیز در بسیاری از نظامها از طریق سیاستهای حمایتی قیمتها و توزیع اعتبارات عمومی، خطر و آثار آن را تعمیم می‌دهند.

بیمه محصول ابزار مناسبی در اختیار سیاست‌گذاری بخش است، اما فقط قسمتی از پاسخ مشکل به‌شمار می‌رود و فقط می‌تواند در خسارت به محصول کمک کند و نوسانهای قیمتها در اکثر نظامها از حوزه آن خارج است. بیمه محصول اگر به‌خوبی طراحی شود می‌تواند بسیاری از مشکلات ناشی از تهدید محصول و تولید را مرتفع سازد.

کشاورز هم با پرداخت قیمت واقعی خطر به صورت حق بیمه در زمان بروز خسارت با استناد به حق قانونی خود از اعانه‌گیری خارج می‌شود.

بازپرداخت وامها بنابه علل فوق در معرض تهدید دائمی است. بسیاری از کشورها بیمه محصولات را پاسخ مناسب برای تضمین روند بازپرداختها تشخیص داده و طرحهای بیمه محصول را برای ایجاد اطمینان در سازمانهای اعتباردهنده پیشنهاد و طلب می‌کنند. در عمل نیز اجرای طرحهای بیمه محصول نتایج مثبتی در بهبود نرخ بازپرداختها داشته‌است.

### بررسیهای موردی

#### ۱. بیمه برنج در فیلیپین

کلیه شالیکارانی که از اعتبارات طرحهای تولید برنج متمرکز استفاده می‌کنند به طور خودکار زیر پوشش بیمه محصول در برابر حوادث قهری قرار می‌گیرند. البته سایر کشاورزان هم می‌توانند محصول خود را بیمه کنند.

دولت فیلیپین معتقد است پوشش بیمه محصول به شالیکاران کمک خواهد کرد تا اقساط وامهای خود را به موقع بپردازند و برای دوره زراعی بعد از اعتبار بانکها استفاده کنند. به عبارت بهتر یابرو زخسارت، زندگی اقتصادی کشاورز به ناپودی تهدید نخواهد شد.

حق بیمه محصول برنج در ۸ درصد ثابت شده که در پرداخت آن بانک اعتبار دهنده و دولت نیز با کشاورز سهیم هستند.

استفاده کننده از وام علوم انسانی و مطالعات فرعی  
از وام استفاده نمی‌کند

سهم پرداختی کشاورز	۲٪	۲٪
سهم پرداختی بانک وام دهنده	۱/۵٪	---
سهم پرداختی دولت	۴/۵٪	۶٪
---	---	---
کل حق بیمه	۸٪	۸٪

هنگامی که بانک اعتبار دهنده، پرداخت قسمتی از حق بیمه را متقبل می‌شود، نشانه اهمیت است که بانک برای بیمه قایل می‌شود و با پرداخت سوبسید به وام‌گیرندگان عملاً تضمین قابل اتکایی برای بازپرداخت دیون خود کسب می‌کند.

## ۲. بیمه محصول در هند

از سال ۱۹۸۵ که «طرح جامع بیمه محصولات کشاورزی» اعلام شد و امها و اعتبارات دریافتی کشاورزان از بانکها (تجاری و کشاورزی) برای فعالیتهای کشت برنج، گندم، ذرت، ارزن، حبوبات و دانه‌های روغنی در مناطق اعلام شده بیمه می‌شود.

کشاورزانی که برای دریافت اعتبار و وام به بانکها مراجعه می‌کنند و اعتبار دریافتی برای کشت محصولات یاد شده بوده، زیر پوشش بیمه قرار می‌گیرند. ارزش بیمه شده قبلاً معادل ۱۵۰ درصد وام دریافتی و درحال حاضر معادل ۱۰۰ درصد آن است.

دولت مرکزی و حکومت‌های ایستانها مشترکاً ۵۰ درصد حق بیمه را برای کمک به کشاورزان می‌پردازند. حق بیمه به این نحو محاسبه می‌شود که مثلاً کشاورزی که ۱۰۰۰ روپیه وام دریافت کرده ارزش بیمه شده‌اش او معادل ۱۵۰ درصد یا ۱۵۰۰ روپیه است که براساس نرخ ۲ درصد روپیه باید بپردازد. از این مبلغ نصف آن را دولت به صورت سوبسید خواهد پرداخت. پرداخت غرامت نیز به طریق زیر صورت می‌گیرد:

غرامت	درصد کاهش در محصول به علت وقوع خطرهای زیر پوشش
۹۰٪	تا ۱۵٪
۸۰٪	۱۶٪ تا ۳۰٪
۶۰٪	بالای ۳۰٪

## ۳. بیمه محصول در مکزیک

این کشور با سابقه‌ترین نظام بیمه محصول در امریکای لاتین را با قریب ۷ میلیون هکتار زیر پوشش داشت. شرکت بیمه محصول تقریباً کلیه مشتریان بانک کشاورزی روستایی را بیمه کرد (۹۰ درصد) و بیش از ۳۰ درصد بازپرداختهای بانک از محل غرامتهای شرکت بیمه تأمین شده است. این شرکت براساس قرارداد بیمه متعهد بود تا در صورت وقوع خسارت، وام بیمه شده را به بانک بازپرداخت کند.

بیمه محصول برای کلیه متقاضیان اعتبار از بانک کشاورزی اجباری بود.

در عمل بانک کشاورزی روستایی و شرکت بیمه محصول پایه‌های اساسی اعطای اعتبار و بازپرداخت مطلوب اعتبار بوده‌اند.

این شرکت طی سالهای ۸۰-۸۹ قریب ۶۱ میلیون هکتار اراضی کشاورزی مکزیکی را بیمه کرد. لکن به دلیل هزینه‌های عملیاتی بسیار سنگین طرح به بن بست رسید، زیرا دولت ناگزیر بود اعتبارات گران از مجراهای بین‌المللی مثل بانک جهانی را تأمین و در اختیار بانک کشاورزی روستایی قرار دهد و بیمه محصول باید با کمترین هزینه پشتیبان آن باشد.

در عمل هم بیش از ۳۰٪ بازپرداختها مستقیماً از محل غرامتها تأمین شد و بخش عمده‌ای از مشکلات مالی بانک را برطرف ساخت. در این کشور، بیمه محصول نقش جبران‌کننده زیانهای مالی بانک را به عهده داشت. به همین سبب هم بار سنگین هزینه‌ها را از طریق حق بیمه به کشاورزان تحمیل کرد و موجب کاهش تقاضا برای بیمه شد و در نهایت، به توقف برنامه در سال ۱۹۸۹ انجامید.

### اعتبار کشاورزی در ایران

بانک کشاورزی، سازمان رسمی مسئول اعطای اعتبار در بخش کشاورزی است. هرچند که نظام بانکی برای فعالیت در این عرصه منع قانونی ندارد و عملاً در این زمینه سهم زیادی داشته است. در این مبحث منظور ما فقط بانک کشاورزی و نقش آن است.

بانک برای مصارف زیر اعتبار می‌دهد:

- |           |                         |                 |
|-----------|-------------------------|-----------------|
| - زراعت   | - پرورش کرم ابریشم      | - خدمات کشاورزی |
| - باغبانی | - قالیبافی و صنایع دستی |                 |
| - دامداری | - پرورش ماهی            |                 |
| - مرغداری | - صنایع وابسته کشاورزی  |                 |

این اعتبارات در دو فصل مجزا

الف) سرمایه‌گذاری؛ و

ب) امور جاری

پرداخت می‌شود و حجم و دوران بازپرداخت متفاوت دارد.

استفاده‌کنندگان اعتبار به‌طور عام کشاورزان، شرکتهای تعاونی، مشارکتهای کشاورزان و...

هستند.

زمان استفاده و بازپرداخت اعتبار نیز با توجه به تقسیم‌بندی بالا و مقاصد وام‌گیرنده از کوتاه

مدت برای مقاصد جاری (تأمین نهاده‌ها) آغاز و تا بلندمدت برای سرمایه‌گذاریها در ایجاد تأسیسات و واحدهای تولیدی و صنایع تبدیلی کشاورزی و امثال آن توسعه دارد.

در سال ۷۲ مجموع اعتبارات پرداختی بانک بالغ بر ۱۷۴۹/۶ میلیارد ریال بوده است.

زراعت، این مهم‌ترین فعالیت بخش، سهم بزرگی از اعتبار را به صورت مستقیم و غیرمستقیم (تبصره‌ها) به خود اختصاص داده است. از مجموع اعتبار توزیع شده در این سال بدون احتساب تبصره‌ها بیش از ۳۱/۲ درصد یا ۲۸۰ میلیارد ریال به بخش زراعت اختصاص یافته است.

بیمه محصول به عنوان وثیقه برای جبران خسارتها و حفظ جریان بازپرداخت دیون بانک در عرصه زراعتی استراتژیک قریب ۱۰ سال فعالیت و سابقه پشت سر گذاشته است.

مجموع زراعتی استراتژیک زیر پوشش بیمه آسیب‌پذیرترین شکل فعالیت تولیدی در بخش کشاورزی است و در معرض همه‌گونه خطرهای طبیعی قرار دارد.

برای مثال در باغهای میوه برای مقابله با خطرهای طبیعی روشهایی ابداع شده که کم و بیش تاثیرگذاری خود را نشان داده‌اند.

قرار دادن بخاریها و بادبزنهای بزرگ، ایجاد دود،... برای مقابله با سرما و کشیدن تورهای مخصوص برای محافظت درختان میوه در مقابل تگرگ و پرندگان مدت‌هاست مورد عمل واقع می‌شوند. در زراعت امکان بهره‌گیری از چنین اقداماتی به هیچ وجه میسر نیست.

ارقام فقط جزئی از سرمایه‌گذاری عظیم مادی و انسانی در تولید محصولات زراعی را به تصویر می‌کشند.

داشتن اطمینان از وجود یک جریان سالم اعتباری که در نهایت موجودیت بانک نیز وابسته به آن است، در گرو تضمین بازده و امها و اعتبارات توزیع شده است. در یک تحقیق دیگر، FAO می‌گوید که قریب ۷۰ درصد ریسک و تهدید خطر سرمایه‌گذاریها در بخش زراعت و نهایتاً توقف بازپرداخت آنها ناشی از وقوع حوادث قهری طبیعی بوده است.

ترکیب نظام کشت در ایران به گونه‌ای است که بیشترین سهم متعلق به واحدهای بهره‌برداری کوچک کشاورزی است و کمترین درآمد هم به‌طور نسبی مربوط به تولیدکنندگان همین واحدهاست.

بنابراین کندن از زمین و ترک مزرعه و توقف تولید ناشی از بروز فاجعه‌های طبیعی را در این واحدها باید متوقف ساخت. تقویت نظام بهره‌برداری دهقانی موجود از طرق مختلف باید صورت گیرد که وجود یک نظام اعتباری قدرتمند به منظور تأمین نیازهای کشاورزان برای نهاده‌ها و سایر هزینه‌های تولید از پایه‌های اساسی آن است.

سلامت این نظام اعتباری در گرو داشتن تحرک و گردش است و فراگرد بیمه محصول این گردش را تضمین می‌کند.

### تأثیر متقابل بیمه محصول و اعتبار در اجرا

طرح این پرسش در نظام بیمه ایران شاید شتابزده باشد و هنوز بسیار زود است که به تحلیل آثار عملی اجرای طرح بیمه در فراگردهای پیچیده اقتصادی از جمله اعتبارات کشاورزی بپردازیم. حرکت صرفاً در یک محدوده معین و دارای چارچوب از پیش تعیین شده قابل ردیابی نیست و بررسی و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی این حرکت نو زمان می‌خواهد. اما نمی‌توان به انتظار روزی نشست که در بستر زمان تجربه گرد آید.

باید به هر حال از نقطه‌ای آغاز کرد، با این امید که ذهن بیدار پژوهندگان در آینده در این زمینه خام به تحقیق و کار علمی پردازد و با نقد و بررسی آنچه انجام شده سیاستها و خطوط راه آینده را ترسیم کنند.

در بررسی نقش متقابل بیمه محصول و اعتبار به دلیل موقعیت استثنایی که بیمه محصول در ایران داشته و بانک کشاورزی با وظایف دوگانه بانکی و بیمه و مسؤلیت مشترک که مدیریت بانک به عهده دارد، یگانگی و همخوانی کامل در اجرای طرح و پیشرفت آن را به بهترین وجه میسر ساخته است.

در غالب نظامهای بیمه محصول، مشکل عدم تفاهم و ناهماهنگی بین بانک و شرکت بیمه در انجام وظایفی که می‌تواند طرف مقال را در تصمیمات مربوط به مدیریت ریسک یاری دهد وجود دارد. از جمله بانک اعتبار دهنده هزینه‌های زیادی برای کسب اطلاعات در مورد متقاضیان وام (کشاورزان) صرف می‌کند و کسب همین اطلاعات برای شرکت بیمه نیز با هزینه‌های مشابه همراه و ضروری است.

در این بررسی از سه دیدگاه متفاوت به موضوع تأثیر متقابل این دو پدیده در یکدیگر می‌نگریم:

مورد الف: مورد نخست به زراعت برنج در استانهای گیلان و مازندران با قریب ۸۷ درصد کل سطح کشت کشور اختصاص دارد.

در این دو استان بالغ بر ۵۹ شعبه بانک همه ساله اعتبارات وام سلف را طبق برنامه توزیع می‌کنند.

زمان شروع عملیات ماههای آبان و آذر است و معمولاً تا دو ماه اول سال بعد ادامه دارد.

## بررسی رابطه تاریخ اعلام تعرفه بیمه برنج با توزیع اعتبار وام سلف در مازندران و گیلان

سال	تاریخ شروع وام سلف	تاریخ اعلام تعرفه بیمه	سطح بیمه شده (هکتار)	ملاحظات
۷۰-۷۱	آبان-آذر	۷۰/۹/۵	۵۵,۴۰۰	بالای ۹۵٪ وام‌گیرندگان همزمان بیمه شده‌اند.
۷۱-۷۲	آبان-آذر	۷۱/۱۱/۱۴	۳۶,۹۰۰	
۷۲-۷۳	آبان-آذر	۷۲/۷/۳۰	۶۶,۰۰۰	

جدول نشان می‌دهد که در سال ۷۱-۷۲ تعرفه بیمه قریب دو ماه بعد از شروع عملیات سالانه اعطای وام سلف برای اجرا به استانها ابلاغ شده است. نتیجه کار بیش از ۴۰ درصد کاهش سطح قرارداد در آن دوره زراعی بوده است. حال آنکه در همان دوره بیش از ۳۶۰ میلیون ریال غرامت فقط در استان گیلان به شالیکاران پرداخت شد.

## نتیجه‌گیری:

رابطه متقابل بیمه و اعتبار در این دوره با تأخیر از سوی بیمه برقرار شده و حاصل کار کاهش چشمگیر تعداد بیمه‌نامه‌های صادره بوده است. این امر به معنای کاهش ضریب ایمنی اعتبارات پرداختی بانک به شالیکاران به هنگام وقوع خسارت و به خطر افتادن بازپرداخت وامهاست.

ب: مورد دوم، به بررسی تأثیر پرداخت غرامت در نرخ بازپرداختهای وامها در چند استان که درصد خسارت بالا بوده است می‌پردازیم. سه سال آمار به هیچ وجه نمی‌تواند بازتاب تمام واقعیت باشد لکن همان گونه که در ابتدای این مبحث گفته شد دستاورد اطلاعاتی صندوق بیمه به دلیل جوان بودن ناچیز است.

بیمه‌محصول به صورت همه‌گیر با پوشش گندم در سطح کشور و از سه سال قبل آغاز شد. جدول زیر درصد وصولیهای بانک را طی سه دوره زراعی نشان می‌دهد. سال ۷۲ نرخ وصولیها در مقایسه با دو دوره قبل جهش دارد. از نیمه سال ۷۱ و اوایل سال ۷۲ خسارتهای گسترده در این استانها مشکلات بسیاری پدید آورد.

## درصد وصولیهای مدیریتهای بانک طی دوره ۷۰-۷۲

استان	سال	۷۰	۷۱	۷۲	توضیحات
کرمان		٪۷۹/۵	٪۸۰/۵	٪۸۷	خسارت عمده: سیل غرامت پرداختی: ۶۵۰ میلیون ریال
خوزستان		٪۶۳	٪۶۸	٪۷۵	خسارت عمده: سیل غرامت پرداختی: ۴/۲ میلیارد ریال
لرستان		٪۷۷	٪۷۸	٪۸۴	خسارت عمده: سیل و سرما غرامت پرداختی: ۳۴۰ میلیون ریال
مرکزی		٪۸۱/۵	٪۸۰	٪۸۸	خسارت عمده: سرما غرامت پرداختی: ۴۰۰ میلیون ریال

## نتیجه گیری:

وقوع خسارتهای سنگین طی سالهای ۷۱ (نیمه دوم) و ۷۲ (نیمه اول) در این استانها، می بایست قاعدتاً کشاورزان را به علت رویارو شدن با از دست دادن محصول در شرایط دشوار مالی قرار داده و در بهترین شرایط درخواست امهال وامها به بانک سرازیر شود. اما در عمل شاهد افزایش وصولیها هستیم. به طور قطع بیمه تنها عامل تأثیرگذار بر نرخ وصولیها نیست و عوامل متعدد در پیدایش این روند مؤثر بوده اند، که مدیریت در این استانها و نحوه گزینش متقاضیان وام یکی از مهم ترین آنهاست. اما توجه داشته باشیم که کشت غالب این استانها گندم است و ضریب خسارت این زراعت آسیب پذیری زیاد و چشمگیر آن را خاطر نشان می سازد. مضافاً بالغ بر ۳۱/۲ درصد اعتبارات پرداختی هم در بخش زراعت توزیع شده است.

ج: در سومین بررسی کارکرد صندوق بیمه در توزیع منابع مالی به صورت غیرمستقیم در بخش، میان کشاورزان بیمه شده تولید کننده محصولات گندم، برنج، پنبه، چغندر قند و سویا مورد مطالعه قرار گرفته است. در این بررسی کل حق بیمه دریافتی صندوق، غرامتهای پرداخت شده و خالص اضافه دریافتی کشاورزان طی سالهای برنامه اول توسعه اقتصادی به ازای هر هکتار در هر سال محاسبه شده است.

در جدول زیر، حق بیمه های دریافتی در مقایسه با غرامتها در هر سال برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی کشور به تفکیک هر محصول ارائه شده است. ارقام حق بیمه پرداختی کشاورزان

سهم خالص پرداختی آنها را نشان می‌دهد و سوبسید پرداختی دولت یا کمک به حق بیمه‌ها، در این محاسبه منعکس نشده، لکن در درآمد صندوق منظور می‌شود. مشاهده می‌شود طی ۵ سال برنامه اول همه ساله و براساس محاسبه سرانه به هر کشاورز علاوه بر برگشت حق بیمه‌های آنها مبالغی هم با توجه به نوع محصول پرداخت شده است. مثلاً اضافه دریافتی هر کشاورز گندمکار برای هر هکتار در هر سال ۶۰۹۴ ریال بوده است.

بررسی میزان اضافه دریافتی کشاورزان زیر پوشش بیمه محصول

محصول	سطح بیمه شده طی ۵ سال (۶۸-۷۲) (هکتار)	حق بیمه پرداختی کشاورزان (ریال)	غرامت دریافتی کشاورزان (ریال)	اضافه دریافتی کشاورزان به ازای یک هکتار بیمه شده در هر سال (ریال)
پنبه	۸۱۸,۷۴۸	۶۶۶,۲۹۱,۸۵۰	۲,۳۶۲,۴۴۸,۶۶۰	۲,۰۷۱
چغندر قند	۶۶۶,۷۲۰	۶۴۳,۰۱۵,۵۴۲	۱,۰۰۱,۴۴۰,۰۰۶	۵۳۷
گندم	۱,۸۷۱,۹۹۹	۴,۷۲۴,۲۴۰,۶۳۹	۱۶,۱۳۱,۹۴۹,۸۸۸	۶,۰۹۴
برنج	۱۵۲,۸۵۱	۲۱۹,۵۷۹,۱۷۵	۶۰۵,۴۹۹,۵۹۷	۲,۵۲۴
سویا	۲۵۴,۸۵۰	۱۲۲,۸۲۴,۴۰۰	۱۶۳,۳۲۹,۰۴۴	۱۵۹
				۳,۶۸۸
میانگین پرداختی به هر هکتار بیمه شده در هر سال				

## نتیجه گیری:

صندوق بیمه طی این سالها، علاوه بر پس دادن کلیه حق بیمه‌های پرداختی کشاورزان برای هر زراعت هم همه ساله ارقام کلانی اضافه پرداخته است. در عمل صندوق بیمه اعتبارات هنگفتی را همه ساله توزیع کرده تا توان مالی از دست رفته کشاورزان را اعاده کند. به یاد داشته باشیم که همین کشاورزان خسارت دیده، مشتریان و وام‌گیرندگان بانک هستند.

## نتیجه گیری کلی

میزان اعتبارات بخش کشاورزی محدود است. با توجه به اهمیت تولیدات کشاورزی، توزیع آن باید در رابطه با اولویت هدفها صورت پذیرد. منابع مالی نیروی محرکه اجرای سیاستها و عامل حرکت به سوی هدفهای تعیین شده بخش است. توزیع این منابع محدود و سرمایه‌گذاری در تولید محصولات کشاورزی که تنها منبع تأمین نیازهای حیاتی انسانها و خوراک صنایع اند، نیازمند بستر مناسب و محیط اطمینان بخش است.

بیمه محصول یکی از ابزارهای مؤثر در ایجاد چنین محیطی را به دست می دهد. از آنجا که بانک اهرم اعتباری بخش و عملیات آن باید به صورت وسیله ای برای نیل به هدفهای کشاورزی عمل کند و بیمه محصولات نیز به منظور دستیابی به این هدفها طراحی و شکل گرفته است، بنابراین زمینه هماهنگی بین سیاستهای اعتبارات کشاورزی با بیمه محصول به نحو مطلوب در یگانگی سازمانی و مدیریت واحد تجلی یافته است.

بیمه محصول یکی از مقبول ترین اشکال وثیقه برای اعتبارات در بخش کشاورزی است. بیمه و اعتبار در تقابل نیستند تا افزایش یکی کاهش دیگری را در پی داشته باشد. کامل کننده یکدیگرند و شرط سلامت نظام اعتباری هماهنگی آنهاست. هیچ یک از وثیقه ها به سهولت بیمه محصول در زمانهای بحرانی و وقوع خسارت نمی تواند در اعاده توان مالی کشاورز و پاسخگویی به بازپرداخت وامهای کشاورزی نقش داشته باشد.

## منابع

۱. گزارشهای سالانه صندوق بیمه به مجمع عمومی طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲.
۲. بیمه محصولات کشاورزی در «هند»، ترجمه ایرج جابری، آبان ۱۳۶۸.
۳. بیمه محصولات کشاورزی در «فیلیپین»، ترجمه ایرج جابری، دی ۱۳۶۹.
۴. سیاستهای برنامه ریزی بیمه محصولات کشاورزی، FAO، ۱۹۹۱، انتشارات صندوق بیمه محصولات کشاورزی.

5. *Insurance Support to Risk Management of Agricultural Investment*, NENARACA, 1991.
6. *Crop Insurance in Asian Countries*, APRACA 1980.
7. *Crop Insurance and Public Policy In U.S.A & Latin America*, NENARACA, 1990.

پی نوشت.

۱. این طبقه بندی از سوی سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (F A O) مورد پذیرش و عمل در اغلب کشورها ذکر شده است.
۲. ریسک مفهومی گسترده تر از معنای لغوی «خطر» دارد و دامنه آن تا محدوده احتمال وقوع خطر را نیز دربرمی گیرد. از این رو در متن به ناچار از همان کلمه بدون تغییر بهره گرفته شده است.
۳. R.A.Roberts، بخش خدمات کشاورزی، F.A.O، ۱۹۹۲.